

مطالعه بینامتنی شخصیت حبیب بن مظاهر در سخنان امام حسین علیه السلام

دکتر محمد رضا شاهرودی^۱

دکتر محمد فراهانی^۲

تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۶/۱۴

چکیده

مطالعه بینامتنی شخصیت‌ها، یکی از اقسام پدیده نوظهور بینامتنیت است. در این مطالعه بسامد نام اشخاص در یک متن استخراج می‌شود تا از این طریق شناختی عمیق از نقش و جایگاه آن شخص در منظومه فکری نویسندگان و گویندگان متون به دست آید. حبیب بن مظاهر، امام حسین علیه السلام را یاری و خون عزیز خویش را برای نهضت الهی او نثار کرد. او به سبب جایگاه والا نزد اهل بیت علیهم السلام از جهت قوت ایمان و تقوا، وسعت علم، مجاهدت، وثاقت، عبادت، شجاعت، سخاوت، عزت و نهایتاً شهادت، سهم بسزایی در سخنان امام حسین علیه السلام دارد که احصای آن راه‌گشای شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تر از این صحابی

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه تهران. mhshahroodi@ut.ac.ir
۲. استادیار گروه معارف دانشکده شهید مطهری (نویسنده مسئول). Yasekabood.org@gmail.com

شریف اهل بیت علیهم السلام و به تبع آن معرفت صحیح نهضت حسینی خواهد بود. در پژوهش حاضر قصد آن است که بینامتنی شخصیت حبیب بن مظاهر به همراه کشف رابطه بین متون حاضر و غایب، در سخنان اباعبدالله الحسین علیه السلام در نهضت عاشورا بحث و بررسی شود تا نقش او در حماسه عاشورا با احصای تعابیر امام علیه السلام خطاب به ایشان تبیین شود.

کلیدواژه‌ها: امام حسین علیه السلام، بینامتنی شخصیت‌ها، حبیب بن مظاهر، سخنان امام حسین علیه السلام، عاشورا، کربلا.

۱. مقدمه

با تمامی تأکید و اهتمام بزرگان دین نسبت به اعتصام توأمان به ثقلین^۱ و گره خوردگی تکامل بشریت به تأسی از آنها، امت چنانکه باید به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تمسک نجستند و پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، با منع کتابت حدیث و سپس تهدید، ارباب و گاهی قتل راویان احادیث معصومین علیهم السلام توسط امویان، تلاش گسترده‌ای در محو آثار ائمه اهل بیت علیهم السلام صورت گرفت، تا جایی که از کسانی چون ابوهریره که مدت کوتاهی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را درک کردند، در جوامع حدیثی قریب به ۵۳۷۴ حدیث نقل شد^۲ (سیوطی، ۱۴۲۰: ۳۷۹)؛ لکن از شخصیتی چون امام حسین علیه السلام در مجامع روایی، روایات زیادی دیده نمی‌شود. از آن حضرت در دوران ده ساله امامتشان هیچ حدیث فقهی که راویان از ایشان روایت کرده باشند، نقل نشده است^۳

۱. قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «...إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا - كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَهْلُ بَيْتِي عَشْرَتِي أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا وَقَدْ بَلَّغْتُ إِلَيْكُمْ سِرِّي وَعَلَى الْحَوْضِ فَأَسْأَلُكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ وَالثَّقَلَانِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَأَهْلُ بَيْتِي فَلَا تَسْفِهُوهُمْ فَتَهْلِكُوا...» (کلینی، ۱۳۶۲: ۱، ۲۹۴؛ ...من در میان شما دو چیز به جا می‌گذارم، که اگر بدانها بگروید هرگز گمراه نشوید: کتاب خدا عز و جل و خاندانم، عترتم، ای مردم بشنوید، من محققاً تبلیغ کردم، شما فردای قیامت سر حوض بر من وارد می‌شوید و از شما از آنچه درباره ثقلین کردید باز پرسم که ثقلین کتاب خدا جل ذکره و خاندان منند، از آنها جلو نیفتید تا هلاک نشوید...

۲. «روی خمسة آلاف وثلاثمائة وأربعة وسبعين حديثا، اتفق الشيخان منها على ثلاثمائة وخمسة وعشرين. وانفرد البخاري بثلاثة وتسعين، ومسلم بمائة وتسعة وثمانين» (سیوطی، ۱۴۲۰: ۳۷۹).

۳. علامه طباطبایی می‌نویسد: «منظور روایتی است که مردم از آن حضرت نقل کرده باشند که شاهد مراجعه و

(طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲، ۲۴۸). با این حال اصحاب و فرزندان امام علیه السلام، خصوصا امام سجاد علیه السلام، سخنان آن حضرت را ثبت و روایت کردند. جایگاه ویژه حضرت سیدالشهدا علیه السلام بین فرق و مذاهب، زمینه را برای گسترش احادیث ایشان در قالب خطبه‌ها، نامه‌ها، اشعار و مانند اینها فراهم ساخت و هم اکنون گنجینه گران بهایی از سخنان امام علیه السلام که صحیح‌ترین و دقیق‌ترین منبع شناخت روح مکتب حسینی، هویت قیام عاشورا و شخصیت‌های اثرگذار در این حماسه است و اصلاح گران بزرگ جوامع بشری بهره‌های فراوانی از آن برده‌اند؛ در اختیار ماست و با تحقیق، تدقیق و تطبیق این سخنان، می‌توان حوادث صدر اسلام را تبیین و تحلیل کرد و در عین حال هرگونه تحریف لفظی و معنوی از نهضت حسینی و واقعه عاشورا را زدود.

در میان سخنان امام حسین علیه السلام ذکر نام شخصیت‌های مثبت و منفی حاضر در صحنه قیام به چشم می‌خورد که احصاء و بررسی این شخصیت‌ها، نقش آنها را در نهضت حسینی برای تحلیل دقیق‌تر حماسه عاشورا مشخص می‌کند. حبیب بن مظاهر، عالم علم منایا و بلایا، قرین میثم تمار و رشید هجری، فقیه و محدث صدوق، عارف و مخلص به ولایت اهل بیت علیهم السلام، حافظ قرآن، شخصیت اثرگذار در حماسه عاشورا، از صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (سماوی، ۱۳۷۷: ۱۰۰)، امیرالمؤمنین علیه السلام (همان، ۱۰۱)، امام حسن و امام حسین علیهم السلام (طوسی، ۱۴۱۵: ۶۰) است که در جنگ‌های امیرالمؤمنین علیه السلام شرکت داشت. بررسی بینامتنی سخنان امام حسین علیه السلام درباره سید و شیخ بنی‌اسد، ما را در شناخت دقیق‌تر نهضت حسینی یاری می‌رساند و همچنین راه‌گشای سالکان طریق سیدالشهدا علیه السلام در مسیر تقرب الی الله خواهد بود.

اقبال مردم است نه روایتی که از داخل خاندان آن حضرت مانند ائمه بعدی رسیده باشد» (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲، ۲۴۸).

۱. به گفته برخی از تاریخ‌نگاران، حبیب بن مظاهر، جزو تابعین و نسل دوم مسلمانان پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به شمار می‌رود و بزرگانی چون شیخ طوسی او را به عنوان صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ذکر نکرده‌اند (امین، ۱۴۰۶: ۴، ۵۵۴).

۲. ادبیات نظری پژوهش

۱-۲. بینامتنیت

بینامتنیت^۱ یا در هم تنیدگی متون، نظریه ابداعی ژولیا کریستوا فرانسوی^۲ در سال ۱۹۶۶ میلادی، حاصل رویکرد نقد متن محور است. برای این اصطلاح در زبان عربی، قریب به بیست عنوان ذکر شده که بین آنها عبارت تناس بیش از تعبیر دیگر شهرت یافته است. اگرچه بینامتنیت به زعم برخی از صاحبانظران با اصطلاحاتی نظیر تضمین، اقتباس و تلمیح نوعی مترادف دارد (عزام، ۱۳۸۷: ۲)، ولی به این جهت که اصطلاحاتی از این دست، ناظر بر روابط ظاهری میان متون به شکلی سنتی هستند و در آنها بخش پنهان این رابطه‌ها مورد تدقیق و تحقیق قرار نمی‌گیرد و در بینامتنیت کشف روابط گسترده و پنهان متون، تأثیر و تأثرها، اهداف و چرایی‌ها مورد اعتناست (شاهرخی و دیگران، ۱۳۹۷: ۴)؛ می‌توان اقتباس، تلمیح، تضمین و مانند اینها را از زیرمجموعه‌های بینامتنیت، دانست. طبق این نظریه، متون در تعامل با متون معاصر و ماقبل خود شکل پیدا می‌کنند، از این رو عنوان بینامتنیت، ناظر بر تداخل یا تکرار متون گذشته یا معاصر، با هدف انکشاف نشانه‌های متقن، برای درک و فهم بهتر و عمیق‌تر، در متون آینده است. این اصطلاح ناظر بر توصیف متونی است که در نقل قول‌ها، استشهادها، تلمیحات، تضمین‌ها و نظایر اینها ربط و پیوندهای آشکار و یا پنهانی یافته‌اند. «بینامتنی در ساده‌ترین حالتش به این معناست که متنی از متون و افکار گذشته دیگران چه خودآگاه چه ناخودآگاه تضمین و اقتباس گردد؛ به گونه‌ای که این متون و اندیشه‌ها در متن اصلی ذوب شود و متنی جدید و کامل عرضه گردد» (خزعلی، ۱۴۳۰: ۶۴).

۲-۲. روابط بینامتنی

در بینامتنی روابط شکلی و معنایی بین متون بررسی می‌شود که در حوزه نقد متن از

1. Intertextuality

۲. اگرچه غالباً ژولیا کریستوا (فرانسوی و بلغارستانی تبار) را مبدع نظریه بینامتنیت می‌دانند، لکن، از دیگر سردمداران این جریان، می‌توان به ریفاتر، دریدا، رولان بارت و ژرار ژنت اشاره کرد. ناگفته نماند بعضی باخترین روسی را مبدع بینامتنیت می‌دانند (امین مقدسی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳).



مباحث حساس و جدی به شمار می‌آید؛ چه اینکه به واسطه آن فهم صحیح متن صورت می‌گیرد. براساس تقسیم‌بندی محمد بنیس، ارکان اساسی بینامتنیت شامل متن پنهان، متن حاضر و مهمترین رکن، یعنی روابط بینامتنی است که به معنای احاله یا سرایت لفظ یا معنا، از متن غایب به متن حاضر است. این بازآفرینی به سه قاعده نفی جزئی، نفی متوازی و نفی کلی (مسبوق، ۱۳۹۲: ۲۰۸) صورت می‌گیرد.

۲-۲-۱. نفی جزئی

در این قاعده، جزئی از متن غایب (کلمه، عبارت یا جمله)، در متن حاضر بازآفرینی می‌شود، گویی متن حاضر دنباله متن پنهان، با کمترین تغییر است (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸: ۳۰۶). در این رابطه که شکل آسان و سطحی روابط بینامتنی است، معمولاً لفظ و معنای متن حاضر با متن پنهان موافقت دارد.

۲-۲-۲. نفی متوازی

این رابطه که از نفی جزئی برتر است و بر آمیختگی متن غایب با متن حاضر، بدون تغییر ذاتی، دلالت می‌کند (مسبوق، ۱۳۹۲: ۲۰۸). در نفی متوازی از معنای متن پنهان دفاع و با دامنه معنایی بیشتری نوعی نوآوری در متن حاضر نمودار می‌شود.

۲-۲-۳. نفی کلی

برترین رابطه در قواعد بینامتنیت، نفی کلی است که در آن، متن غایب در قالب متن حاضر دوباره سازی شده و در معنایی غیر از متن پنهان به کار می‌رود. چنانکه دستیابی و کشف لایه‌های عمیق این رابطه با تلاش فکری زیادی به دست می‌آید و برای درک صائب متن حاضر در آن، به بازخوانی متن پنهان نیاز است چه اینکه بدون فراخوانی متن پنهان، درک معنای متن حاضر با نقص مواجه می‌شود و ممکن است خواننده، متن حاضر را نارسا، ناگویا و حتی کم بها تلقی کند (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸: ۳۰۶). رابطه بین سخنان امام حسین علیه السلام در این مقاله، با این سه معیار تبیین شده است.

۲-۳. حبیب بن مظاهر

۱۳۲. نام، کنیه، لقب

در نام حبیب بین علمای خاصه و عامه سیره و تراجم، اختلافی وجود ندارد ولی در

نام پدر ایشان مُظَاهِر به علت سهو مصنفین، خطای نسخه نویسان یا تصحیف، اقوال مختلفی وجود دارد. کما اینکه در *الکامل* (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۴، ۵۹، ۷۰) و *البدایة و النهایة* (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۸، ۱۷۹، ۱۸۳) او را به اسم حبیب بن مُظَهَّر و *اخبار الطوال* (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۶) و *انساب* (سمعی، ۱۳۸۲: ۱۲، ۳۲۵) با نام حبیب بن مُظَهَّر یاد کرده اند. اما قول مشهور درباره نام او همان حبیب بن مُظَاهِر است؛ چنانکه بزرگانی نظیر ابومخنف، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، شیخ طبرسی، ابن شهر آشوب، ابن نما حلی، سید ابن طاوس و دیگران نقل کرده اند. محمد سماوی و سید محسن امین کنیه حبیب بن مظاهرا ابوالقاسم ثبت کرده اند (سماوی، ۱۳۷۷: ۱۰۲؛ امین، ۱۴۰۶: ۴، ۵۵۳). اغلب مصنفین علوم حدیث، رجال، تراجم، تاریخ و انسب او را با لقب الأَسَدی یاد کرده اند؛ علاوه بر آن القابی چون عمید الأنصار، شیخ الأنصار و النجیب (القصیر، ۱۴۳۱: ۳۴، ۳۳) نیز برای حبیب بن مظاهربه کار رفته است.

۲.۳.۲. زندگی نامه

حبیب بن مظاهر در سرزمین نجد^۱ به دنیا آمد و در کوفه اقامت گزید. او پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را درک کرد و از آن حضرت حدیث شنید و پس از آن ملازم امیرالمؤمنین علیه السلام و در ردیف بزرگانی چون میثم تمار، رُشید هَجَری و عمرو بن حمق خزاعی از اصحاب سرّ و حاملان علوم آن حضرت شد تا جایی که در زمره گروه ویژه «شرطة الخمیس» (القصیر، ۱۴۳۱: ۴۹) قرار گرفت. سپس در دوره امامت امام حسن علیه السلام در خط ولایت و اطاعت از آن حضرت، به عنوان شخصیت بارز شیعه در کوفه به یاری و حمایت از ایشان پرداخت. در عصر امامت امام حسین علیه السلام و دهه آخر حکومت معاویه، شرایط اختناق و سرکوب را تحت ولایت آن حضرت صبورانه پشت سر گذاشت و پس از به خلافت رسیدن یزید، با نهضت حسینی همراه شد و جزو چهار نفری بود که نخستین دعوت نامه برای امام علیه السلام را از کوفه به مکه ارسال کردند (مفید، ۱۴۱۳: ۲، ۳۷). هنگامی که مسلم بن عقیل وارد کوفه

۱. «نجد، سرزمین وسیعی است که در بالای آن، تهامه و یمن و در پایین آن عراق و شام واقع است» (حموی، ۱۹۹۵: ۵، ۲۶۲).

شد، حبیب به یاری مسلم بن عوسجه برای مسلم بن عقیل از مردم کوفه بیعت می‌گرفت. بعد از شهادت مسلم بن عقیل با دریافت نامه یاری خواهی امام حسین علیه السلام (موسوعه الامام الحسین علیه السلام، ۲: ۱۳۷۸، ۷۵۵)، مخفیانه خود را به کربلا و کاروان حسینی رساند و در رکاب آن حضرت در سن ۷۵ سالگی^۱ (امین، ۱۴۰۶: ۴، ۵۵۴) به شهادت رسید.

۳.۳.۲. وقایع دوران حیات

دورانی که حبیب بن مظاهر در آن عمر خویش را سپری کرد، از جمیع جهات در تاریخ بشریت، شرایط ویژه‌ای دارد. اگرچه بسیاری از وقایع که در این ایام رخ داد به دلایل مختلف ثبت نشده است؛ لکن حبیب بن مظاهر حوادث مهمی را در دوران حیات خویش درک کرده است. از جمله در دو سالگی بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ۱۴ سالگی، هجرت آن حضرت از مکه به مدینه؛ از ۱۶-۲۳ سالگی، غزوات پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله؛ ۲۴ سالگی، حجة الوداع ایشان؛ ۲۵ سالگی، رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، نقض وصیت آن حضرت درباره خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام و شهادت حضرت زهرا علیها السلام؛ ۲۷ سالگی، استمرار نقض وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به خلافت رسیدن عمر بن خطاب و احراق مصاحف توسط او؛ ۳۷ سالگی، ادامه نقض وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و خلافت عثمان بن عفان؛ ۴۹ سالگی، بیعت امت اسلام با علی بن ابیطالب علیه السلام و انتقال عاصمه دولت اسلامی از مدینه منوره به کوفه؛ ۵۰ سالگی، جنگ جمل؛ ۵۱ سالگی، وقعه صفین؛ ۵۳ سالگی، جنگ نهروان؛ ۵۴ سالگی، شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام و امامت و خلافت امام حسن مجتبی علیه السلام؛ ۵۵ سالگی، صلح و ۶۴ سالگی شهادت آن حضرت؛ ۷۴ سالگی، قیام امام حسین علیه السلام، شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و نهایتاً در سن ۷۵ سالگی شاهد واقعه کربلا و شهادت در رکاب اباعبدالله الحسین علیه السلام (ن.ک. القصیر، ۱۴۳۱: ۵۷، ۵۹).

۱. «فی مجالس المؤمنین. عن روضة الشهداء أنه قال: حبیب رجل ذو جمال و کمال و فی یوم وقعة کربلاء کان عمره ۷۵ سنة» (امین، ۱۴۰۶: ۴، ۵۵۴).

۴.۳.۲. حبيب بن مظاهر در زیارت نامه ها

با توجه به جلالت قدر حبيب بن مظاهر، نام ایشان به دو طریق در زیارت نامه ها ذکر شده است؛ گاه به همراه دیگر شهدای کربلا با الفاظ عام و گاهی با ذکر نام. تعداد زیادی از زیارت نامه ها با الفاظ عام از شهدای کربلا از جمله حبيب بن مظاهر یاد کرده اند؛ به نحوی که می توان گفت زیارت نامه هایی خطاب به امام حسین علیه السلام نیست مگر اینکه به یاران آن حضرت با الفاظ عام سلام داده شده است. اما زیارت نامه هایی که ضمن آنها نام حبيب بن مظاهر آمده است عبارتند از: زیارت ناحیه مقدسه^۱ و زیارت رجبیه امام حسین علیه السلام.^۲ در زیارت ناحیه مقدسه آمده است: «السلام علی حبيب بن مظاهر الاسدی» (سید بن طاووس، ۱۳۷۷: ۳، ۷۸) و در زیارت رجبیه این سلام با تفاوت در نام پدر حبيب بن مظاهر با عبارات «السلام علی حبيب بن مُظَهَّر» و بدون ذکر لقب «الاسدی» آمده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۸، ۳۳۹-۳۴۱). در زیارات مختلفی که نام انصار ابا عبدالله الحسین علیه السلام و به ویژه حبيب بن مظاهر، ذکر شده، عباراتی آمده است که منزلت و مقام آنان را آشکار نموده و پاداش بکاء برایشان را مراتب بالای رضوان الهی و نجات از عذاب دوزخ دانسته است.

۵.۳.۲. حبيب بن مظاهر در بیان بزرگان

مصنفین علوم حدیث، رجال، تراجم، تاریخ و انساب سخنانی درباره حبيب بن مظاهر گفته اند که نشانگر علو مرتبه او نزد بزرگان علوم دین است. از جمله این تعابیر «مشکور» (حلی، ۱۳۸۱: ۱۳۵)؛ «مخلصا شکورا» (بصری، ۱۴۲۲: ۹۸)؛ «کان کثیرون

۱. این زیارت از زیارات منتسب به امام زمان علیه السلام است که برای قرائت در روز عاشورا و دیگر روزها وارد شده است. در بین زیارات مربوط به امام حسین علیه السلام دو زیارت با عنوان «ناحیه مقدسه» وارد شده است. زیارتی که در آن نام شهدای کربلا ذکر شده است غیر مشهور و با عنوان «زیارت الشهداء» نیز شناخته می شود. در زیارت ناحیه مقدسه مشهور، بعد از سلام بر پیغمبران سلف، اهل بیت علیهم السلام، سیدالشهداء علیه السلام و یارانشان؛ توصیف امام حسین علیه السلام و ذکر مصائب آن حضرت آمده است (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۹۶).

۲. این زیارت که برای قرائت در اول ماه رجب و نیمه شعبان وارد شده است، شامل سلام هایی بر امام حسین علیه السلام و ۸۷ تن از یاران ایشان است. زیارت دیگری با عنوان «زیارت رجبیه» (قمی، بی تا: ۱۳۶) وجود دارد که قرائت آن برای زیارت ائمه هدی علیهم السلام در همه روزهای ماه رجب وارد شده است.

یختمون القرآن فی کل یوم ختمة، منهم حبیب بن مظاهر الأسدی» (حائری، ۲: ۱۳۸۵، ۴۴۲)؛ «من خواص أصحاب أميرالمؤمنین و الحسن و الحسین صلوات الله علیهم» (نمازی شاهرودی، ۲: ۱۴۱۴، ۳۰۲)؛ «الشجعان» (زرکلی، ۲: ۱۹۸۰، ۱۶۶)؛ «كان من أصحاب أميرالمؤمنین علیه السلام، و يظهر من الروایات أنه كان من خاصته، و حملة علومه»، «و كان حبیب صاحب لواء الحسین علیه السلام»؛ «كان جلیل القدر، عظیم الشأن، قائدا، شجاعا، و كان من حفظة القرآن»؛ «هو سید أصحاب الامام الحسین علیه السلام، الذی كان لواءهم بیده یوم كربلاء، و هو العالم العارف المتفانی فی حب اهل بیت نبیه صلی الله علیه و آله و سلم» (القصیر، ۱۴۳۱: ۱۸۷-۱۸۸) می باشد که جایگاه حبیب بن مظاهر را از نظر اخلاص، انس با قرآن و عترت، شجاعت و علو مرتبه علمی به انحاء و عبارات مختلف بیان کرده است.

۳. بینامتنی شخصیت حبیب بن مظاهر در سخنان امام حسین علیه السلام

مهم ترین بخش بینامتنی، روابط بین متون است که در مباحث قبل بیان شد با این حال بعضی از ناقدان به اعتبارها و سطوحی دیگر، اشکالی از بینامتنی مطرح نموده اند که غالبا به نحوه حضور متن پنهان در متن حاضر، ناظر است. در یکی از این تقسیم بندی ها به بینامتنی ذاتی یا داخلی، در مقابل بینامتنی خارجی^۱، اشاره می شود که در آن متن پنهان و متن حاضر هر دو از آثار یک فرد است. بینامتنی ذاتی یا داخلی نیز شامل گونه های مختلف از جمله بینامتنی ساختاری^۲، بینامتنی مضمونی^۳ و بینامتنی

۱. انواع این سطح تقسیم بندی، که ناظر به نسبت و نحوه کوچ متن غایب به متن حاضر است، شامل: بینامتنی طبیعی (انتقال متن از روی عادت و عرف)، داخلی (بازآفرینی متن در آثار دیگریک نویسنده)، خارجی (بینامتنی متن با متون دیگران)، آشکار (کوچ آشکارای متن غایب به متن حاضر) و ناخودآگاه (بهره مندی ناخودآگاه از متون دیگر در متن حاضر) است (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸: ۳۰۷-۳۰۸).

۲. در این نوع، جزئی از متن غایب (کلمه، عبارت یا جمله)، در متن حاضر بازآفرینی می شود (همان) که خود به دو قسم می باشد؛ در قسم اول کلمه یا عباراتی از متن غایب به همان شکل و معنا در متن حاضر به کار می رود و در قسم دوم این انتقال با تغییرات صرفی یا نحوی، همراه با تقدم و تأخر و یا زیادت و نقصان صورت می گیرد.

۳. در بینامتنی مضمونی، مشترکات مفهومی و مضامینی که با یکدیگر تعامل دارند، و رای حضور لفظی

شخصیت‌ها است که تمامی این اقسام در سخنان امام حسین علیه السلام وجود دارد. این نوشتار ناظر به بینامتنی ذاتی یا داخلی شخصیت حبیب بن مظاهر در سخنان امام حسین علیه السلام است. در بینامتنی شخصیت‌ها مخاطب در اثنای سخن، به شخصیت‌های شناخته شده ارجاع داده می‌شود (شیخ الرئیس و خلیفه شوشتری، ۱۳۹۸: ۱۵۰). در این قسم از بینامتنی، سخنان امام علیه السلام در مواضع و موقعیت‌های مختلف، پیرامون شخصیت‌های مثبت و منفی اثرگذار در شکل‌گیری نهضت عاشورا احصاء می‌شود و در نتیجه آن، می‌توان به نقش کلی این گونه شخصیت‌ها در سرنوشت ملت‌های مختلف در طول تاریخ دست یافت.

۱-۳. سخنان امام حسین علیه السلام درباره حبیب بن مظاهر

در شناخت بینامتنی شخصیت‌ها، در سخنان امام حسین علیه السلام نام حبیب بن مظاهر، ظهور قابل‌اعتنایی دارد و گاهی امام علیه السلام در خطبه‌ها و خطابه‌هایشان در مواضع مختلف بعد از خروج از مکه به سمت کوفه و استقرار در کربلا از او سخن گفته، اقدامات او را مورد تأیید قرار داده و نهایتاً او را به صفاتی خاص توصیف نموده است، به نحوی که می‌توان او را از محبوب‌ترین اصحاب نزد آن حضرت به حساب آورد. در ادامه به ذکر سخنان امام حسین علیه السلام پیرامون حبیب بن مظاهر می‌پردازیم.

۱-۱-۳. پرچم‌داری حبیب بن مظاهر

بنا بر نقل اغلب تاریخ‌نگاران متقدم و متأخر از جمله: طبری به نقل از ابو مخنف^۱، دینوری^۲، بلاذری^۳ و ابن اثیر^۱ حبیب بن مظاهر را فرمانده و پرچم‌دار جناح چپ لشکر

محسوس و صریح متن غایب، بحث و بررسی می‌شود (مسبوق، ۱۳۹۲: ۲۱۸). در این قسم از بینامتنی، پردازش سخن به گونه‌ای است که پیوند مفهومی میان متن غایب و حاضر برای خواننده، قابل فهم است (شاهرخی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۱۶) و مفاهیم در کالبد عبارات دیگری به کار می‌رود.

۱. «و عبأ الحسین اصحابه، و صلی بهم صلاة الغداة، و كان معه اثنان و ثلاثون فارسا و اربعون رجلا، فجعل زهير بن القين في ميمنة اصحابه، و حبیب بن مظاهر في میسره اصحابه» (طبری، ۱۳۸۷: ۵، ۴۲۲).

۲. «و عبأ الحسین علیه السلام أيضا اصحابه، و كانوا اثنین و ثلاثین فارسا و اربعین رجلا، فجعل زهير بن القين علی میمنته، و حبیب بن مظهر علی میسرته...» (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۶).

۳. «و عبأ الحسین اصحابه (عند) صلاة الغداة و كان معه اثنان و ثلاثون فارسا و اربعون رجلا، فجعل زهير بن

اباعبدالله الحسين عليه السلام دانسته‌اند. در نقلی آمده است نزد امام عليه السلام دوازده پرچم قرار داشت که آن حضرت یک پرچم را به حضرت ابوالفضل العباس عليه السلام و ده پرچم دیگر را به رئیس گروه‌های مختلف از اصحاب دادند. یکی از یاران امام عليه السلام درخواست کرد که ایشان یک پرچم باقی مانده را به او بدهد. امام حسین عليه السلام به او فرمود: تو مرد خوبی هستی ولیکن این پرچم از آن شخص دیگری است. سپس فرمود: «اعنى بذلك الرجل الفاخر، والعنصر الطاهر حبيب بن مظاهر» (قصیر، ۱۴۳۱: ۸۳ به نقل از البلاذری: ۸۸-۸۹). در این سخن امام حسین عليه السلام به صاحب لواء بودن حبيب بن مظاهر در سپاه خویش اشاره فرموده و او را با تعبیری چون: «الرجل الفاخر» و «العنصر الطاهر» می‌ستایند و پس از الحاق حبيب به سپاه امام عليه السلام او را پرچم‌دار میسرۀ سپاه خویش قرار دادند. نام حبيب بن مظاهر در روایاتی که مربوط به پرچم‌داری ایشان است بدون تغییر ذاتی آمده است. از این رو رابطه بینامتنی این متون «نفی جزئی» است.

۳-۱-۲. نامه امام حسین عليه السلام به حبيب بن مظاهر

یکی از نخستین متونی که نام حبيب بن مظاهر در آن ذکر شده است، نامه امام حسین عليه السلام در مسیر کوفه، پس از دریافت خبر شهادت مسلم بن عقیل است. در متن این نامه آمده است: «من الحسين بن علي بن أبي طالب إلى الرجل الفقيه حبيب بن مظاهر... أما بعد، يا حبيب، فأنت تعلم قربتنا من رسول الله صلى الله عليه وآله، وأنت أعرف بنا من غيرك وأنت ذو شيمه وغيرة، فلا تبخل علينا بنفسك يجازيك جدّي رسول الله صلى الله عليه وآله يوم القيامة» (موسوعه الامام الحسين عليه السلام، ۱۳۷۸: ۱۵، ۵۱۴). در این نامه، امام حسین عليه السلام حبيب بن مظاهر را با عنوان «مردی فقیه» یاد می‌کند که نشانگر جایگاه والای او نزد امام عليه السلام است. مضمون این نامه در قولی دیگر با عبارات زیر آمده است: «بسم الله الرحمن الرحيم من الحسين بن علي الى حبيب بن مظاهر الاسدي، اما بعد يا حبيب: فقد اتينا العراق، وقد بانت الخيانة من اهل الكوفة، كما خانوا بأبي، و

القين في ميمنة أصحابه، و حبيب ابن مظهر في ميسرة أصحابه» (بلاذری، ۱۳۹۴: ۳، ۱۸۷).

۱. «وعبى الحسين أصحابه وصلى بهم صلاة الغداة، وكان معه اثنان و ثلاثون فارسا، وأربعون رجلا، فجعل زهير بن القين في ميمنة أصحابه، و حبيب بن مظهر في ميسرتهم» (ابن اثير، ۱۳۸۵: ۴، ۵۹).

أخى من قبل، فإن كنت تريد السعادة الأبدية، والدولة السرمدية فبادر إلينا، وأنت لنصرتنا فى كربلاء» (القصير، ۱۴۳۱: ۸۱ به نقل از البلادى: ۸۹). در این متن امام حسین علیه السلام به آشکار شدن خیانت مردم کوفه اشاره کرده و سعادت ابدی را در نصرت از نهضت خویش می‌دانند. در متن نامه اول، نتیجه نصرت امام علیه السلام، پاداش الهی و در متن نامه دوم، سعادت ابدی و دولت سرمدی دانسته شده است. در نتیجه، رابطه بینامتنی در این دو نامه، «نفی متوازی» است؛ چه اینکه متن غایب در متن حاضر، بدون تغییر ذاتی با دامنه معنایی بیشتر و الفاظ مصداقی تربیان شده است و بهترین پاداش الهی همانا سعادت ابدی و حیات جاودانه انسان در رضوان الهی است.

۳-۱-۳. استجازه استنصار از بنی اسد توسط حبيب بن مظاهر و پاسخ امام حسين علیه السلام

در ششم محرم که سپاهیان عمر سعد به سی هزار نفر رسید (مجلسی، ۱۳۸۹: ۷۴۴)، حبيب بن مظاهر نزد امام حسين علیه السلام آمد و جهت یاری خواستن از تیره‌ای از قبیله بنی اسد، که در نزدیکی کربلا ساکن بودند، اجازه خواست. امام علیه السلام در جواب فرمودند: «قد أذنت لك يا حبيب» (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵، ۹۰). حبيب بعد از دریافت اجازه از امام علیه السلام، توانست نود نفر از دلاوران این طایفه از بنی اسد را با خود همراه کند؛ ولی با خبرچینی یکی از منافقان آن قبیله، عمر سعد با خبر شد و با ارسال لشکری آنها را منهزم و پراکنده ساخت و نتوانستند به لشکریان امام حسين علیه السلام بپیوندند (بلاذری، ۱۳۹۴: ۳، ۱۸۰). در این متن، فقط نام حبيب ذکر شده و نسبت به متون غایب که نام ایشان با ذکر پدرشان «مظاهر» آمده است، دارای اختلاف است. این میزان تفاوت، بیانگر وجود رابطه «نفی جزئی»، بین این متن با متون غایب در سخنان امام حسين علیه السلام پیرامون حبيب بن مظاهر است.

۳-۱-۴. خطاب امام حسين علیه السلام به حبيب بن مظاهر در شب عاشورا

از حضرت زینب علیه السلام نقل شده است که امام حسين علیه السلام در شب عاشورا، پس از تجدید عهد با بنی هاشم، اصحاب خویش را مورد خطاب قرار داده و فرمودند: «أین حبيب بن مظاهر؟ أین زهیر؟ أین هلال؟ أین الأصحاب؟» پس از این ندا، یاران آن

حضرت، در حالیکه حبیب بن مظاهر لبیک گویان مقابل آنها بود، پیش آمدند و امام علیه السلام خطبه خواندند و طی آن بیعت خویش را از آنها برداشتند. پس از این خطبه، بنی هاشم و یاران آن حضرت هر یک به گونه‌ای ابراز وفاداری کردند و به تبع آن امام حسین علیه السلام جایگاه آنها را در بهشت نشان داده و برایشان دعا کردند (ن.ک. موسوعه الامام الحسين علیه السلام، ۱۳۷۸: ۳، ۱۷۸). در ابتدای این خطبه امام علیه السلام حبیب بن مظاهر را مورد خطاب قرار می‌دهند چه اینکه او سید الانصار است و در پاسخ به ندای آن حضرت نیز، حبیب است که از همه سبقت گرفته و می‌گوید: «لبیک یا ابا عبدالله». تنها اختلاف در روایاتی که امام حسین علیه السلام نام حبیب بن مظاهر را ذکر کرده‌اند، زیادت و یا نقصانی است که در ذکر نام او به نظر می‌آید؛ چه اینکه گاهی صرفاً ایشان با نام «حبیب» و غالباً با تعبیر «حبیب بن مظاهر» مورد خطاب قرار گرفته است. لذا رابطه بینامتنی این روایت با متون غایب رابطه «نفی جزئی» است؛ چرا که متن غایب با تغییری جزئی در متن حاضر ظهور و بروز پیدا کرده است.

۳-۱-۵. اشاره امام حسین علیه السلام به سؤال حبیب بن مظاهر درباره امام سجاد علیه السلام

یکی از سخنان امام حسین علیه السلام که در آن نام حبیب بن مظاهر آمده است، نقلی است که آن حضرت از سؤال او و زهیر بن قین درباره امام زین العابدین علیه السلام سخن به میان آورده است. طبق این روایت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می‌فرماید: «یسألنی زهیر بن قین و حبیب بن مظاهر، عن علی، فیقولان: «یا سیدنا، علی‌إلی ما یکون من حاله؟» فأقول مستعبراً: «لم یکن الله لیقطع نسلی من الدنیا، وکیف یصلون إلیه، و هو أبو ثمانیة أئمة» (خصیبی، ۱۴۱۹: ۲۰۵). با توجه به متن این روایت، حبیب بن مظاهر و زهیر بن قین از سرنوشت امام زین العابدین علیه السلام بعد از شهادت بنی هاشم و اصحاب، ابراز نگرانی می‌کنند و امام حسین علیه السلام در پاسخ به آنها به تعلق امر الهی به حفظ حضرت سجاد علیه السلام و ادامه سلسله جلیله امامت از نسل ایشان اشاره می‌فرمایند. بنا بر آنچه در عنوان قبل بیان شد، رابطه بینامتنی این روایت با متون پنهان ماقبل خود رابطه «نفی جزئی» است و نام حبیب بن مظاهر، در متون غایب نسبت به این متن، غالباً بدون زیادت و نقصان و گاهی با زیادت، لقب الاسدی و در بعضی متون بدون ذکر نام پدر ایشان، آمده است.

۳-۱-۶. سخن امام حسین علیه السلام درباره حبيب بن مظاهر هنگام شهادت او

وقتی حبيب بن مظاهر به شهادت رسید، امام حسین علیه السلام نزد او آمد و بنا بر نقل برخی از منابع تاریخی در چهره سیدالشهدا علیه السلام آثار انکسار پدید آمد (موسوعه الامام الحسين علیه السلام، ۱۳۷۸: ۳، ۵۹۳) و فرمود: «عند ذلك لله أحتسب نفسي و حُماة أصحابي»^۱ (طبری، ۱۳۸۷: ۵، ۴۴۰)، «لله دُرُكٌ يا حبيب، لقد كنتَ فاضلاً تختم القرآن في ليلةٍ واحدة» (قمی، ۱۳۷۹: ۲۴۶). در این روایت، امام حسین علیه السلام به جهت اهتمام حبيب بن مظاهر در ختم هر شب قرآن، او را می ستاید و او را به عنوان شخصیتی فاضل، مورد خطاب قرار می دهد. در متن این دو روایت منقول، رابطه بینامتنی «نفی متوازی» مشاهده می شود؛ به این جهت که متن غایب در متن حاضر، با ذکر مصادیق دیگر در فضیلت حبيب بن مظاهر باز خوانی می شود و به جنبه حمایتگری او، که در متن غایب آمده است، فضیلت ختم قرآن هر شب حبيب بن مظاهر افزوده می شود. این سخنان امام علیه السلام در متون دیگر با تغییرات کمی از جهت الفاظ آمده است؛ مثلاً در مقتل مقرر (۱۴۲۶: ۲۵۳) جمله «استرجع کثیراً» آمده است و در نیابیع الموده^۲، تعبیر روایت با تقدم و تأخر ذکر شده است.

۳-۱-۷. استنصار از حبيب بن مظاهر بعد از شهادت او توسط امام حسین علیه السلام

بعد از شهادت بنی هاشم و اصحاب، امام حسین علیه السلام یاران شهید خود را مورد خطاب قرار دادند. در ابتدای نام یاران، پس از فراخواندن مسلم بن عقیل و هانی بن عروه، نام حبيب بن مظاهر را ذکر کرده و فرمودند: «...یا حبيبَ بْنَ مُظَاهِرٍ، ویا... أَيْهَا الْكِرَامُ! وَ اذْفَعُوا عَنْ حَرَمِ الرِّسُولِ الطُّغَاةَ اللَّثَامَ، وَلَكِنْ صَرَعَكُمُ وَاللَّهِ رَبِّبُ الْمُتُونِ... وَالْأَلَمَا كُنْتُمْ عَنْ دَعْوَتِي تَقْصُرُونَ... فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۳ (موسوعه الامام الحسين علیه السلام، ۱۳۷۸: ۴، ۲۷۶). در این خطابه، امام علیه السلام یاران شهید خود، به ویژه حبيب بن مظاهر را با تعبیر «ایها

۱. «جان خود و حامیان اصحاب خود را نزد خدا می دانم».

۲. وقال الحسين: «يرحمك الله يا حبيب، لقد كنت تختم القرآن في ليلة واحدة وأنت فاضل» (قندوزی، ۱۴۲۲: ۳، ۷۱).

۳. «...ای حبيب بن مظاهر... از حریم پیامبر خدا در برابر بیدادگران ددمنش، جانانه دفاع کنید. چه باید کرد که همه کشته شدید... وگرنه شما از دعوت من سر باز نمی زدید... پس همه ما از خداییم و همه به سوی او باز می گردیم».

الکرام» می ستاید و به ایثارگری و وفاداری آنها در دفاع از حرم اهل بیت علیهم السلام اشاره می کند. این سخن امام علیه السلام در متون مختلف با اندکی تقدم، تأخر، زیادت، نقصان و یا تغییر ذکر شده است. در تمام این متون، با توجه به اینکه متن غایب در متن حاضر با کمترین تغییری باز آفرینی شده است و لفظ و معنا بین متون موافقت دارد، رابطه بینامتنی بین آنها «نفی جزئی» است.

نتیجه

یافته های این پژوهش نشان می دهد که:

- اقسام بینامتنیت در سخنان امام حسین علیه السلام مشتمل بر سه شکل ساختاری، مضمونی و شخصیت ها است که بین آنها بینامتنی شخصیت ها در شناخت دقیق تر و صحیح تر نهضت آن حضرت حائز اهمیت است.

- در بین شخصیت های اثرگذار در نهضت عاشورا بینامتنی شخصیت حبیب بن مظاهر در سخنان امام حسین علیه السلام از بسامد قابل توجهی برخوردار است که نشانگر جایگاه ویژه او نزد امام علیه السلام و نهضت آن حضرت است.

- برجسته ترین رابطه بینامتنی شخصیت حبیب بن مظاهر در سخنان امام حسین علیه السلام، بین متون حاضر و متون غایب، «نفی جزئی» است.

- با توجه به اقتضای ذاتی بینامتنی شخصیت ها، مصداقی از رابطه «نفی کلی» بین سخنان امام حسین علیه السلام در شخصیت حبیب بن مظاهر به دست نیامد.

- در سخنان امام حسین علیه السلام مصادیقی که در موضوع بینامتنی شخصیت حبیب بن مظاهر به دست آمد در روایات مربوط به: «پرچم داری حبیب بن مظاهر»، «نامه امام حسین علیه السلام به حبیب بن مظاهر»، «استجازه استنصار از بنی اسد توسط حبیب بن مظاهر و پاسخ امام حسین علیه السلام»، «خطاب امام حسین علیه السلام به حبیب بن مظاهر در شب عاشورا»، «اشاره امام حسین علیه السلام به سؤال حبیب بن مظاهر درباره امام سجاد علیه السلام»، «سخن امام حسین علیه السلام درباره حبیب بن مظاهر هنگام شهادت او» و «استنصار از حبیب بن مظاهر بعد از شهادت او توسط امام حسین علیه السلام» می باشد.

منابع

- قرآن کریم
- ابن اثیر، عزالدین أبوالحسن علی بن ابی الکریم (۱۳۸۵ق)، *الکامل*، بیروت، دار صادر. دار بیروت.
- ابن اعثم، ابومحمد احمد (۱۴۱۱ق)، *الفتوح*، بیروت، دار الأضواء.
- ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق)، *البدایة والنهایة*، بیروت، دارالفکر.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، *المزار الكبير*، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
- امین مقدسی، ابوالحسن، حسن خلف و سعدالله همایونی (۱۳۸۹ش)، «روابط بینامتنی نهج البلاغه با آثار امین الريحانی»، تهران، پژوهشنامه نقد ادب عربی، سال دهم، شماره ۱۸.
- امین، سید محسن (۱۴۰۶ق)، *أعیان الشیعه*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- بصری، احمد بن عبدالرضا (۱۴۲۲ق)، *فائق المقال فی الحدیث والرجال*، قم، مؤسسه علمی فرهنگي دارالحدیث.
- البلادی، حسن (۱۴۲۵ق)، *عاشوراء ونساء الشیعه*، قم، انتشارات انوار الهدی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۴ق)، *أنساب الأشراف*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- حائری، محمد مهدی (۱۳۸۵ق)، *شجرة طوبی*، نجف، منشورات المطبعة الحیدریة و مطبعتها.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۱ش)، *ترتیب خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال*، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵م)، *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر.
- خزعلی، انسیه (۱۴۳۰ق)، «التناص الديني فی الأدب اللبناني المعاصر (شعر حرب

- تموز نموذجا»، دراسات في العلوم الانسانية، السنه ۱۶، العدد ۴.
- خصیبي، الحسين بن حمدان (۱۴۱۹ق)، الهدایة الكبرى، بیروت، مؤسسة البلاغ.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۶۸ش)، الأخبار الطوال، قم، منشورات الرضی.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۰م)، الأعلام، بیروت، دار العلم الملايين.
- سماوی، محمد (۱۳۷۷ش)، إِبصار العین فی أنصار الحسین علیهم السلام، قم، مرکز الدراسات الإسلامية لممثلية الولی الفقیه فی حرس الثورة الإسلامية.
- سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور التمیمی (۱۳۸۲ق)، الأنساب، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانية.
- سید بن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۷ق)، الإقبال بالأعمال الحسنة فیما یعمل مرة فی السنة، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۰ق)، تدريب الراوی فی شرح تقریب النواوی، بیروت - لبنان، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- شاهرخی، فرنگیس، اسماعیل صادقی و محمد رضا سنگری (۱۳۹۷ش)، «بررسی انواع روابط بینامتنی اشعار احمد عزیزى و قرآن کریم»، فصلنامه علمی پژوهشی کاوش نامه، سال نوزدهم، شماره ۳۶.
- شیخ رئیس، علی و محمد ابراهیم خلیفه شوشتری (۱۳۹۸ش)، «بینامتنیت واژگانی و شخصیتی «رأییه» ابن عزندس با قرآن کریم»، فصلنامه علمی پژوهشی ادب عربی، سال دوازدهم، شماره ۲.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۷ش)، مجموعه رسائل، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، تاریخ الأمم والملوک، بیروت، دار التراث.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی الطوسی (۱۴۱۵ق) رجال الطوسی، قم، جامعه مدرسین.
- عزام، محمد (۱۳۸۷ش)، کتاب الکترونیکی النص الغائب، قم، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.

- القصیر، علی (۱۴۳۱ق)، *حیة حبیب بن مظاهر الأسدی*، کربلاء، قسم الشؤون الفكرية و الثقافية فی العتبة الحسينية المقدسة.
- قمی، عباس (۱۳۷۹ش)، *نفس المهموم فی مصیبة سيدنا الحسين المظلوم*، قم، المكتبة الحیدریة.
- — (بی تا)، *کلیات مفاتیح الجنان*، قم، انتشارات اسوه.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، *ینابیع المودة لدوی القربی*، قم، منظمة الاوقاف و الشؤون الخيرية، دار الأسوة للطباعة والنشر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ش)، *الکافی*، تهران، انتشارات اسلامیه.
- مجلسی، مولی محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۸۹ش)، *محن الايرار*، تهران، آرام دل.
- — (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مسبوق، سید مهدی (۱۳۹۲ش)، «روابط بینامتنی قرآن با خطبه های نهج البلاغه»، تهران، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال دهم، شماره ۲۰.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
- مقرر، عبدالرزاق (۱۴۲۶ق)، *مقتل الحسين*، بیروت، مؤسسة الخرسان للمطبوعات.
- موسوعة الامام الحسين، گروهی از نویسندگان، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دفتر انتشارات کمک آموزشی.
- میرزایی، فرامرز و ماشاء الله واحدی (۱۳۸۸ش)، «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر»، کرمان، دوفصلنامه نشر پژوهی ادب فارسی، سال شانزدهم، شماره ۲۲.
- نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۴ق)، *مستدرکات علم رجال الحدیث*، تهران، مطبعة حیدری.